

فصل دوازدهم.

تحلیل هزینه و فایده پول دستوری

در یازده فصل گذشته سازوکارها و پیامدهای اجرای پول دستوری را به عنوان سیستم عامل پولی جهان مرور کردیم. در این فصل می‌خواهیم به تحلیل هزینه‌ها و فایده‌های این تکنولوژی بپردازیم.

در بیت‌کوین هزینه امن نگاه داشتن^۱ شبکه را استخراج‌کنندگان (ماینها) پیشاپیش^۲ پرداخته‌اند. اما هزینه‌های عملیاتی و امن نگاه داشتن پول دستوری مثل هزینه‌های «چسب کشیدن»^۳ است؛ شاید در ابتدای کار لازم نباشد هزینه چندان پرداخت کنید ولی در بلندمدت استفاده از آن هزینه‌های بسیار زیادی دارد. هزینه‌های زیرساخت فیزیکی و انرژی موردنیاز برای اجرای سیستم پولی دستوری در مقایسه با هزینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، تغذیه‌ای و تمدنی استفاده از این تکنولوژی ناچیز به نظر می‌رسد. در اغلب موارد محاسبه دقیق این هزینه‌های گزاف ممکن نیست ولی با برآورد آن‌ها درمی‌یابیم که پول دستوری چه ویرانه‌هایی به بار آورده است.

فایده پول دستوری برای انسان‌ها این است که دیگر نیازی به جابه‌جایی طلا برای انجام پرداخت‌ها ندارند ولی از آن طرف هزینه‌هایش هم بی‌حساب‌اند. این هزینه‌ها در چهار دسته عمده جای می‌گیرند:

- ۱) نابود کردن ثروت افراد از طریق تورم
- ۲) اختلال در نقش‌آفرینی پول در محاسبه اقتصادی
- ۳) افزایش قدرت دولت در شکل دادن اقتصاد و جامعه
- ۴) بیشتر شدن احتمال بروز تعارض‌ها و پرهزینه‌تر شدن آن‌ها

فایده‌های پول دستوری

فایده پول دستوری به طور عمده مربوط به صرفه‌جویی در هزینه‌های جابه‌جایی طلای فیزیکی است. چنانکه در فصل ششم هم گفته شد هزینه‌های تصفیه، تسویه و تأیید (عیارسنجی) طلای فیزیکی چیزی نزدیک به ۰/۰۵ تا ۰/۵ درصد ارزش اسمی آن است. معلوم نیست اگر امروز هم استاندارد طلا بر دنیا حاکم بود چه تعداد معامله و با چه ارزش اسمی را شاهد بودیم؛ برآورد این ارقام کار بسیار دشواری است. نمی‌دانیم که در آن حالت در مقایسه با معاملات «لایه دوم» (که بدون نیاز به جابه‌جایی پول صورت می‌گیرند) چه تعداد تسویه قطعی را شاهد بودیم. یک برآورد دست‌بالا از ارزش اسمی تسویه قطعی طلا چیزی حدود ۱۰ درصد از کل ثروت جهان است. بر این مبنا حداکثر هزینه تسویه طلا چیزی نزدیک به ۰/۵ درصد آن و معادل ۰/۰۵ درصد ثروت جهان خواهد بود. تخمین

۱. securing
۲. up front
۳. glue sniffing

مصرف مشامی چسب؛ اشاره به استنشاق بخار چسب و دیگر مواد محرک برای کسب لذت است.

هزینه واقعی تسویه البته کار سختی است و نمی‌دانیم در اقتصاد امروز ما در صورت استقرار استاندارد طلا این هزینه به چه میزان بود ولی می‌توانیم این عدد برآوردی را به‌عنوان یک حد بالا بپذیریم. رواج پول دستوری باعث نشده است که دیگر تسویه طلا موضوعیت نداشته باشد زیرا همچنان خرید و فروش طلا ادامه دارد ولی مقدار آن بسیار کمتر از قبل شده است. با این‌همه نباید از یاد برد که هزینه‌های پول دستوری بسیار بیشتر است.

هزینه‌های پول دستوری

تورم

نخستین و آشکارترین هزینه پول دستوری، از بین رفتن ثروت افراد به دلیل کاهش ارزش ارزهای ملی است. همه ارزهای دستوری ملی هرساله و از همان ابتدای ایجادشان به بلای کاهش ارزش واقعی دچار بوده‌اند. تورم در واقع ثروت صاحبان پول دستوری را پیوسته و موریانه‌وار خورده و کاهش داده است. چنانکه در مورد بیت‌کوین هم می‌توان دید با افزایش میزان فعالیت اقتصادی یا تعداد کاربران لازم نیست توکن‌های مورد استفاده در یک سیستم پولی هم زیاده‌تر شوند. اما حجم پول اعتباری دولتی پیوسته افزایش می‌یابد (انبساط پولی) و در نتیجه ارزش آن هم پیوسته کاهش پیدا می‌کند.

به همان دلایلی که در فصل ۴ و ۸ گفته شد، استفاده از شاخص بهای (تورم) مصرف‌کننده برای سنجش درجه اتلاف پول دستوری کافی نیست. اتکا به آمارهای دولتی هم مشکلات بسیار آشکار و جدی به بار می‌آورد. دولت‌ها انگیزه فراوانی برای تحریف^۱ آمار (به نفع خود) دارند و در فرایند تولید آمار دیده‌ایم که بوروکرات‌های دولتی بی‌صدافتی غریب و بیمارگونه‌ای از خود نشان می‌دهند! از این مسئله که بگذریم، تغییر در بهای مصرف‌کننده تابع دو عامل است: ۱) کاهش ارزش پول دستوری (۲) افزایش بهره‌وری (تولید) که کاهش ارزش کالاها را به همراه دارد. افزایش بهره‌وری (تولید) بدون تورم پولی مترادف با کاهش قیمت‌هاست. اما با وجود تورم پولی، افزایش قیمت‌ها به این معناست که رشد حجم پول بیشتر از افزایش بهره‌وری (تولید) بوده است. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت شاخص بهای مصرف‌کننده در برآورد میزان اتلاف پول دستوری کمک چندانی نمی‌کند. افزایش در عرضه (حجم) واحد پولی، نماینده^۲ و شاخص بسیار بهتری به نظر می‌رسد زیرا نه تنها ضرورتی برای این کار وجود ندارد بلکه افزایش حجم پول به طور دقیق فقط به معنای کاهش ارزش ثروت افراد است.

میانگین قیمت مسکن در ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۱۵ چیزی در حدود ۳۵۰۰ دلار بود و در سال ۲۰۲۱ به ۲۶۹،۰۳۹ دلار رسید. این به معنای نرخ رشد مرکب سالانه ۴/۱۸ درصد طی ۱۰۷ سال است. اگر فرض کنیم از سال ۱۹۱۴ استاندارد دستوری سیاست ثابت نگاه داشتن حجم پول را پی می‌گرفت و قیمت‌ها سالانه ۲ درصد کاهش پیدا می‌کردند در حال حاضر میانگین قیمت مسکن نزدیک به ۴۱۱ دلار بود! اگر نرخ افزایش عرضه دلار بسیار کمتر از وضع کنونی بود امیدوار بودیم که قیمت‌ها نیز امروز بسیار

۱. influence

۲. proxy

کمتر از چیزی باشند که هستند. درآمدها هم البته بسیار کمتر می‌شدند ولی کاهش قیمت کالاها به معنای ارزان‌تر شدن آن‌ها طی زمان بود و پس‌انداز فرد قدرت خرید بیشتری پیدا می‌کرد. تصور کنید که شما در سال ۱۹۱۵ با داشتن ۴۱۱ دلار می‌توانستید ۱۲ درصد از خانه جد بزرگ خودتان را بخرید ولی اگر مرحوم همین مبلغ را پس‌انداز و برای شما به ارث گذاشته بود امروز می‌توانستید کل خانه را بخرید. پول‌خرده‌های جیب جد بزرگ هم برای‌تان کافی بود که بتوانید امروز زندگی کنید. در دنیایی که قیمت‌ها همواره رو به کاهش دارند پس‌انداز برای آینده از عاقلانه‌ترین کارهاست؛ یک لحظه تصور کنید اگر بلای پول دستوری تورم‌زا بشر را گرفتار خود نکرده بود چقدر استانداردهای زندگی افراد می‌توانست بالاتر از چیزی باشد که امروز هست.

بر اساس داده‌های بانک جهانی متوسط افزایش سالانه «تورم» (افزایش عرضه پول) برای ارزهای ملی اصلی بین سال ۱۹۶۵ تا ۲۰۲۰ به قرار زیر بوده است: سوئیس ۶/۶۷ درصد، ایالات متحده ۷/۴۴ درصد، ژاپن ۹/۷۶ درصد، بریتانیا ۱۰/۸۷ درصد و چین ۲۰/۳۳ درصد. اعداد و ارقام مربوط به منطقه یورو را در داده‌های بانک جهانی نمی‌توان یافت ولی در آمارهای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه دیده می‌شود که به طور متوسط به ۷/۷۹ درصد می‌رسد. میانگین ساده (متوسط) همه کشورهای دیگر در داده‌های بانک جهانی هم ۳۰/۱ درصد است. عمده ارزش اقتصادی در قالب ارزهای اصلی است و یک تورم متوسط موزون نیز علی‌القاعده باید همین را منعکس کند؛ محاسبات نشان می‌دهد افرادی که از پول دستوری استفاده می‌کنند به طور متوسط سالانه ۱۳/۷۲ درصد تورم (افزایش حجم پول) را تجربه می‌کنند. وقتی این وضعیت را با گزینه نگهداری پول سخت با عرضه ثابت مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که پس‌انداز هر مصرف‌کننده پول دستوری سالانه حدود ۱۴ درصد ارزش خود را از دست می‌دهد.

در سال ۲۰۱۹ جمع کل پول و شبه‌پول^۱ جهان در حدود ۹۵ تریلیون دلار بود در حالی که کل ثروت جهانی به ۳۶۰ تریلیون دلار می‌رسید. این بدان معناست که پول دستوری در حدود ۲۶/۳ درصد از ثروت بشریت را شامل می‌شود. وقتی ارزش پول سالانه ۱۳/۷۲ درصد کاهش یابد بشریت هم هر سال ۳/۶ درصد از ثروتش را به دلیل تورم و از دست رفتن ارزش پول از دست می‌دهد. اگر روند سال‌های گذشته امسال همچنان برقرار باشد انتظار داریم تورم دستوری در سال جاری هم حدود ۱۵ تریلیون دلار را از بین ببرد. در اینجا بجاست بر این تأکید کنیم که «مالیات» تورمی دستوری به شدت تنازلی^۲ است. مردم فقیر جهان بیشتر در کشورهایی زندگی می‌کنند که نرخ تورم در آن‌ها بالاتر از ارزهای ذخیره جهانی است. همچنین باید به یاد داشت مردم فقیر بیشتر ثرویشان به صورت پول است، نه دارایی‌های مالی. ثروتمندان جهان که نزدیک به ۷۵ درصد از کل ثروت آن را در اختیار دارند عمده ثرویشان نه به صورت پول دستوری بلکه دارایی‌هایی مثل سهام و قرضه است. ثروتمندان البته پول نقد بیشتری از فقرا دارند ولی این پول کسر کوچکی از ثروت آنهاست که با افزایش ثرویشان حتی کوچک‌تر هم می‌شود. وقتی فقرا همان ثروت

۱. broad money
۲. regressive

اندکشان را هم در قالب پول دستوری نگهداری می‌کنند؛ بار تورم بیشتر بر دوش آنهاست و بهای سنگینی را برای آن پرداخت می‌کنند.

درباره نابرابری بسیار نوشته و کاغذ سیاه کرده‌اند ولی به این مجازات اقتصادی آشکار که بالا آمد بسیار کم اشاره شده است؛ مجازاتی به شدت بی‌رحمانه و آشکار که بر مردم فقیر جهان اعمال می‌شود. دولت‌های مرکزی پیوسته با کاهش ارزش پول همان اندک امید باقیمانده مردم فقیر برای زندگی بهتر را هم از بین می‌برند. اما همزمان همین مالیات تورمی تنازلی به سود ثروتمندانی است که می‌توانند وام‌های کلان بگیرند (یعنی استقراض مقدار زیادی از همین پول دستوری که ارزش آن در حال کاهش است) و با خرید و نگهداری دارایی‌های سخت ثروت خود را حفظ کنند. جالب است که گرایش اقتصاددانان، دانشگاهی‌ها، کنشگران و سیاستمدارانی که فکر و ذکرشان نابرابری است هم ترویج نهادهای دستوری است؛ نهادهایی که نشان از یارانه‌های دستوری دولت در می‌آید. این دغدغه‌مندان نابرابری انگار نمی‌خواهند پیوند آشکار میان تورمی که حقوق‌شان از آن حاصل می‌شود و فقرایی که هزینه واقعی تورم روی دوش آنهاست را ببینند. بیت‌کوین کارایی بسیار بیشتری از پول دستوری دارد زیرا تورمی در کار نیست و ثروت انسان‌ها غارت و مصادره نمی‌شود. بیت‌کوین‌داران خودشان امکان تصدیق و تأیید فرایند عرضه پول جدید (افزایش حجم پول) را دارند و البته نرخ افزایش عرضه در حال حاضر کمتر از ۲ درصد سالانه است که هر چهار سال یک بار نصف می‌شود تا در نهایت به صفر برسد.

اختلال‌های اقتصادی

دومین گروه از هزینه‌های پول دستوری را باید آثار مرتبه دوم سیستم پولی تورمزده جهانی تلقی کرد؛ سیستمی که بر مبنای شبه‌تهاثر ارزهای دولتی عمل می‌کند. هزینه اختلال‌های ناشی از این سیستم بسیار چشمگیر است. در فصل پنجم کتاب «استاندارد بیت‌کوین» و فصل هفتم همین کتاب به بررسی پیوند میان پول و رجحان زمانی پرداختیم و گفتیم چطور کاهش ارزش پول، انگیزه دوراندیشی را در افراد کاهش می‌دهد و نزدیک‌بینی در تصمیم‌گیری را تشویق می‌کند. نتیجه آن نیز کاهش پس‌انداز و افزایش بدهکاری است. برآورد کمی و عددی آثار این یک قرن دستکاری دولتی رجحان زمانی بر زندگی انسان‌ها شاید ناممکن باشد. همین گفته را می‌توان درباره اختلال در «مهم‌ترین محاسبه اقتصادی فرد» هم تکرار کرد: دادوستد و بده‌بستان آن فرد با آینده خودش! یادمان نرود که این اختلال‌های برنامه‌ریزی شده هم از گور دولت بلند می‌شوند. به طور دقیق نمی‌دانیم اوضاع جهان چگونه بود اگر هر فرد می‌توانست ذخیره ارزش مطمئنی برای تأمین آینده خودش داشته باشد. اما می‌توان حدس زد که به احتمال زیاد دوراندیشی بیشتری را شاهد بودیم و نزدیک‌بینی و الله‌بختکی عمل کردن کمتر بود. پیامدهای این اطمینان از حفظ ثروت برای پیشرفت تکنولوژی، انباشت سرمایه و بسیاری از مسائل اجتماعی هم نامعلوم است و فقط مجبوریم دست به دامن تصور و تخیل بشویم. در فصل ششم «استاندارد بیت‌کوین» به بررسی دقیق این موضوع پرداختیم که ادوار تجاری نتیجه ناگزیر دستکاری پول هستند؛ گفتیم که ادوار تجاری قیمت‌گذاری سرمایه را مختل می‌کنند و به سوءسرمایه‌گذاری، انحلال نگاه‌ها، کساد (رکود) و البته نابودی چشمگیر سرمایه‌ها می‌انجامند. در بحران مالی

۲۰۰۸ برآورد شده است که هر امریکایی ۷۰ هزار دلار از درآمد دوره اشتغال^۱ خود را از دست داد و در کل این عدد برای ایالات متحده به ۲۱ تریلیون دلار می‌رسد.^۲

از دیگر آثار مرتبه دوم پول تورمی این است که باعث می‌شود سرمایه‌گذاری‌های زیان‌ده هم به نظر سرمایه‌گذاران موجه و سودآور بیایند و سرمایه‌های آن‌ها را به خود جذب کنند. در چشم یک سرمایه‌گذار کسب‌وکاری که امید می‌رود سود اسمی خوبی به بار آورد یک سرمایه‌گذاری خوب است. اما بر حسب مقادیر واقعی ماجرا متفاوت می‌شود؛ با کاهش ارزش پول بین زمان آغاز سرمایه‌گذاری و «به پول رسیدن» آن، سرمایه‌گذاری سودآور قبلی می‌تواند به یک سرمایه‌گذاری زیان‌ده بدل شود. اگر انتظار داشته باشیم که پول X درصد از ارزش خود را از دست بدهد، هر کسب‌وکاری که سود اسمی مثبت کمتر از X درصد داشته باشد در بادی امر سودآور به نظر می‌رسد درحالی‌که در واقع سرمایه‌سوزی و هدر دادن سرمایه‌های جامعه است. تورم پول را به یک قالب یخ در حال آب شدن بدل می‌کند و انگیزه افراد را برای مصرف یا سرمایه‌گذاری به شدت بالا می‌برد حتی اگر فرصت خرید یا سرمایه‌گذاری مناسبی هم در دسترس نداشته باشند. این مصارف و سرمایه‌گذاری‌های بی‌فایده (یا به بیانی «پول دور ریختن‌ها») نتیجه ناگزیر سیستم پولی است که در آن ارزش پول در طی زمان حفظ نمی‌شود. هزینه‌های این هدر دادن سرمایه البته بی‌حساب است و البته ما هرگز نخواهیم دانست چه رخ می‌داد اگر صاحبان سرمایه‌ها با آن‌ها مثل یک سبب‌زمینی داغ تا نمی‌کردند و دنبال رها شدن از شر آن نبودند؛ چقدر انباشت سرمایه بیشتری می‌شد و چه نوآوری‌هایی می‌توانستیم داشته باشیم.

در فصل ششم کتاب «استاندارد بیت‌کوین» هم از بالکانیزه^۳ شدن پول جهان گفتیم که از یک واسطه مبادله عام (طلا) به صدها توکن دولتی تبدیل شد؛ توکن‌هایی که از نظر «فروش آسان در زمان‌ها و مکان‌های مختلف» محدودیت‌های زیادی دارند. این هم یک جهش بزرگ رو به عقب در تکنولوژی پولی انسان به شمار می‌آید. نتیجه آن هم چیزی است که هوپه آن را سیستم جهانی شبه‌تهاثر نامیده است. در بازار ارزهای خارجی کسانی که در این سو و آن سوی مرزها، به مبادله ارزها می‌پردازند هزینه‌ای اضافه را متحمل می‌شوند (افزایش هزینه‌های مبادله). اما کاش فقط این بود؛ هزینه بزرگتر و مشکل اصلی آن اختلالی است که در محاسبه انتروپرونها ایجاد می‌شود. آن‌ها باید افزون بر کار خود در نقش یک تحلیلگر اقتصاد کلان و سیاست پولی هم ظاهر شوند تا فقط بتوانند قیمت واقعی ورودی‌ها و خروجی‌های خود را متوجه شوند. این هزینه نیز بسیار چشمگیر است.

دولت‌های دستوری

هواداران پول دستوری شاید استدلال کنند که کل هزینه‌های کاهش ارزش پول که ذکر شد را نباید به تمامی «هزینه» به حساب آورد. آن‌ها ادعا می‌کنند که این کاهش ارزش در عوض به دولت و شرکای کانتیلونی^۴ وی اجازه می‌دهد که خرج کنند پس همه آن را نباید هدر کردن منابع به حساب آورد. استدلال من درست خلاف این است. ماهیت مخارج دولتی با

۱. lifetime earning

۲. Barnichon, Regis, Christian Matthes, and Alexander Ziegenbein. "The Financial Crisis at ۱۰: Will We Ever Recover?" Federal Reserve Bank of San Francisco. ۱۳ Aug. ۲۰۱۸. Web.

۳. Balkanization: در معنای استعاره‌ای به معنای تبدیل یک کل متنوع به گروه‌های یکدست و همگن است

۴. Cantillon-favored partners

مخارج خصوصی تفاوت دارد؛ طبیعت مخارج دولتی ایجاد اختلال و اتلاف است و تخصیص نادرست منابع را در پی دارد. این مخارج فی‌نفسه و حتی فارغ از کاهش ارزش پول نوعی هزینه به شمار می‌آیند؛ علت هم این است که باعث همان فجایی می‌شوند که در بخش دوم همین کتاب (فصل‌های ۷ تا ۱۲) از آن‌ها گفتیم. اگر سیستم پول سخت حاکم بود بعید به نظر می‌رسید شاهد این میزان از مداخله در تولید غذا و رژیم غذایی باشیم که در فصل ۸ گفتیم. فرایند علمی هم بسیار بعید بود به این تباهی گرفتار آید و تبدیل به کارتل فاسد کنونی شود که کارش تولید انبوه مقالات بی‌محتواست. همانطور که در فصل ۹ گفتیم، همه این مصائب از این‌رو ممکن شده که هزینه‌کرد و مخارج دولتی کل ساختار بازار و مشوق‌های آن را مختل کرده است. بدون تورم و مداخله دولت در بازار انرژی بعید بود که در یک بازار آزاد انرژی شاهد این پرش‌های قیمتی اخیر باشیم و در مکان‌هایی که حتی از چند دهه قبل هم مشهور به داشتن شبکه برق با پایایی بالا بودند با جریان انرژی ناپایدار (ناپایا) روبه‌رو نبودیم.

تعارض

بزرگ‌ترین و مخرب‌ترین هزینه پول دستوری ناشی از سازوکار دستیابی به اجماع در دفتر کل جهانی^۱ آن است: خشونت! هرچند نقش پولی طلا را ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی آن تضمین می‌کند و عیارسنجی و راست‌آزمایی اصالت آن امکان‌پذیر است در پول دستوری وضعیت متفاوت است؛ نقش پولی پول دستوری به‌تمامی وابسته به اقتدار و اعتبار بانک مرکزی و دولت منتشرکننده آنست. در پول دستوری همه دارایی‌های پایه (پولی)^۲ به توکن‌های مجازی^۳ تبدیل می‌شوند که نمود مرکزی به دلخواه آن‌ها را تخصیص می‌دهد یا حذف می‌کند. انحصار تصفیه و انتشار این توکن‌های دستوری در دست نمود مرکزی است. هر تراکنشی را می‌توان برگرداند و هر مانده‌ای را ضبط و توقیف کرد. تنها با دستور «از ما بهتران» به سادگی می‌توان مقدار زیادی از این توکن‌ها (که از باد هوا خلق می‌شوند!) را به هر مانده‌ای انتقال داد. در سیستم بانکی در مورد همه چیز می‌توان با تصمیم‌گیری سیاسی کار را پیش برد و تعیین تکلیف کرد. پول دستوری سیاست خارجی و داخلی را به یک «بازی مرگ و زندگی» بدل می‌کند زیرا جایزه آن کنترل کامل کل ارزش اقتصادی (داخلی و خارجی) است. چنانکه در فصل ۸ کتاب «استاندارد بیت‌کوین» بحث کردیم اگر مانعی پیش روی دولت وجود نداشته باشد که از دست‌اندازی آن به ثروت مردم جلوگیری کند آن دولت با احتمال بیشتری وارد منازعات نظامی می‌شود؛ همچنین بیشتر محتمل است جنگ‌ها را طولانی کند و کش بدهد. فهم علت آن هم دشوار نیست: دولت به سادگی می‌تواند هزینه این کارها را بر دوش مردم کشورش بیندازد.

در استاندارد طلا دولت‌ها تا وقتی طلایشان تمام شود و دیگر نتوانند از مردم مالیات بگیرند جنگ را ادامه می‌دهند. اما در استاندارد دستوری، کار تا مصادره و غصب کل ارزش پول شهروندان ادامه پیدا می‌کند. ران پل^۴، سناتور سابق جمهوری‌خواه ایالات متحده،

۱. global ledger

۲. underlying monetary assets

۳. virtual tokens

۴. Ron Paul

به خوبی شرح داده است که بی‌دلیل نیست قرن بانکداری مرکزی و قرن جنگ‌های تمام‌عیار^۱ یکی است! آر. جی. رومل^۲ تخمین می‌زند که دولت‌ها ۱۶۹ میلیون نفر را در قرن بیستم به قتل رسانده‌اند. همه این دولت‌ها به برکت! پول دستوری بود که توانستند به چنین توحش و بربریتی دست بزنند؛ آن‌ها با پول دستوری می‌توانستند بدون هیچ محدودیتی خرج خودشان را درآورند. دو جنگ جهانی و چند دوجین از جنگ‌ها و نسل‌کشی‌ها چنان هراس و وحشتی آفریدند که پیش از آن هرگز دیده نشده بود. هزینه کشته‌شدگان و وابستگان آن‌ها هم که از حساب خارج است و نمی‌توان برآوردی از آن ارائه کرد.

فرایند اثبات کار در استاندارد دستوری بر خشونت استوار است و استفاده از زور هم برای ساکت کردن مخالفان منعی ندارد. پول دستوری مصداق کامل آن اصل قدیمی است: «حق با کسی است که زور بیشتری داشته باشد». در این شرایط اهالی قدرت بزرگترین جایزه ممکن را دریافت می‌کنند: سیستم حسابداری کل جامعه^۳. زورمندان پاداش می‌گیرند و افراد بیشتر و بیشتر تشویق می‌شوند که به جای تولید اقتصادی سراغ بازی قدرت بروند. اداره یک سیستم پرداخت که در آن امکان «چاپ» پول هم دارید امتیازات بسیار زیادی به همراه دارد و خیلی‌ها حاضرند منابع ارزشمند خود را صرف رسیدن به آن کنند. با پول دستوری پای قدرت و خشونت به میدان باز می‌شود و هزینه‌ها با زور به بقیه تحمیل می‌شوند. خسارت‌های انسانی آن هم از حد بیرون است و البته همه بار آن بر دوش آن‌هایی می‌افتد که دستشان از دستگاه چاپ پول کوتاه است.

۱. total war

۲. R. J. Rummel

۳. accounting system for all of society